

سخنرانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی - 12 / مرداد / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

حسینیة ی جماران، نقطه یی است که همواره سازنده ی تاریخ انقلاب ما در طول ده سال اخیر بوده است. در این نقطه و در زیر همین جایگاه مقدس و متبرک بوده که ما توانسته ایم در طول این ده سال، تجربه های دشوار را از سر بگذرانیم و مقاطع حساس را در زندگی انقلابی خود شروع کنیم و درسهای سازنده را از امام و معلم و مرادمان بگیریم. خلاصه این که ملت ایران، در این نقطه حرکتها را آغاز کرده، در مشکلات به این نقطه پناه آورده و از این نقطه، مقاطع حساس را آغاز کرده است.

ما امروز با فقدان رهبر و امام عزیز و معظم و بی نظیرمان، بی شک دچار کمبود و خلا مهمی هستیم؛ لیکن با یاد صلابت و قاطعیت و معنویت و روحانیت آن بزرگوار و با الهام از درسهای فراموش نشدنی ایشان، امروز مقطع و دوران دیگری را آغاز می کنیم.

به نظر من، امروز روز مهم و شروع مقطع حساس و حایز اهمیتی است. البته، بلندگوهای تبلیغاتی استکبار جهانی و صهیونیسم، می خواهند هم به ملت ایران و هم به افکار عمومی عالم و شاید هم به بعضی از مسؤولان القا کنند که نظام جمهوری اسلامی، دوران جدیدی با جهتگیری جدیدی را آغاز کرده است! این حرف، مثل همه ی حرفهای القا شده از سوی بوقهای استکباری، هم غلط و هم بسیار ناشیانه و ابلهانه است.

دوران جدید، اگر به معنای انصراف از خطوط ترسیم شده ی قطعی به وسیله ی امام عزیزمان باشد - که همان خطوط انقلاب و اسلام است و چیزی از آن فراتر نیست - هرگز در انقلاب ما پیش نخواهد آمد. تا وقتی که دلهای بیدار و مردم مسؤول و مسؤولان مؤمن و اسلام شناس و امام شناس، در این کشور هستند، امریکا و دیگر دشمنان و مستکبران عالم و بدخواهان و منافقان، باید آرزوی چنین روزی را به گور ببرند.

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران بر اساس آن حرکت می کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا، به صورت یک ملت زنده و سرافراز و مستقلترین و زنده ترین و فعالترین ملت های دنیا در آورده و ما را از حالت ملت

عقب افتاده ی وابسته ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه، به فداکاریهای اعجاب انگیز و بی نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست و به فضل پروردگار این خط، با قاطعیت و قدرت و امید و با همان روحیه یی که امام در طول دوران نهضت و انقلاب، عملاً به ما تعلیم دادند، به پیش خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و انقلاب و فداکاری و تلاش و کوشش شبانه روزی، آماده ایم. جانها و خونهای ما، فدای این راه و خط است. سعادت ما در این است که زندگی خود را در این راه بگذرانیم. در این، هیچ تردیدی نیست.

ما امروز، فصل جدیدی را - که برای ملت ایران و مسؤولان قابل توجه است - آغاز می کنیم. ما آن خانواده ی بزرگ و فعالی هستیم که امید و اتکاء و قوت قلبش، به پدر این خانواده بود. با بودنش، همه ی تکیه ها - بعد از خدا - به او بود. هر مشکلی برای کشور و مسؤولان پیش می آمد، سرانگشت هنرمند و کارآمد او بود که گره را باز می کرد. در جنگ و سیاست خارجی و مسایل داخلی و مسایل اقتصادی و اجتماعی، ملت و دولت و مسؤولان، حقیقتاً پشتشان به امام بزرگوارمان گرم بود. این، واقعیتی است که ما ده سال این طور حرکت و سیر کردیم و این کشور را اداره نمودیم.

در دوران مسؤولیت ممتدی که از روزهای اول انقلاب داشتیم، بارها به یاد این جمله ی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) می افتادم که می فرماید: "اذا اشتد بنا الحراق التجینا برسول الله". امیرالمؤمنین می فرمایند: وقتی در جنگها کار بر ما سخت می شد و احساس می کردیم که در مقابل حادثه ضعیفیم، به رسول خدا پناه می بردیم. وقتی این جمله ی امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) به یاد می آمد، می دیدم بر وضع ما نیز صادق است.

مکرر اتفاق افتاد که سر قضایای مختلف، با برادران مسؤول می‌نشستیم و فکرهایمان را تبادل می‌کردیم و مشکل را در مجموعه‌ی می‌گذاشتیم و خدمت امام (ره) می‌بردیم و او بود که با نظر صایب و اراده‌ی قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود، مشکل را حل می‌کرد. خدا شاهد است که در مدت عمر خود، کسی را در این حد از توکل و حسن‌ظن به خدا ندیده و نشنیده‌ام. او، مشکل را حل و گره را باز می‌کرد. امروز، این پدر خانواده و آن متکای محکم و کسی که خاطرمان آسوده بود که در مشکلات، به او مراجعه خواهیم کرد، در میان ما نیست.

در چنین شرایطی، باید مثل همه‌ی خانواده‌هایی که پدر و بزرگ خود را از دست می‌دهند، عمل کنیم. در چنان وضعیتی، هر کدام از افراد خانواده، به نوبه‌ی خود احساس مسؤولیت تازه‌ی می‌کنند و گاهی یک جوان پانزده ساله که تا دیروز مشغول بازی یا درس خواندن بود و احساس مسؤولیتی نمی‌کرد، امروز در خانه، چهره‌ی یک مرد را به خود می‌گیرد و احساس می‌کند که بایستی او هم به سهم خود، نقشی داشته باشد و مقداری از این خلا را پر کند.

برادران عزیز! این، خصوصیت دوران جدید ما مسؤولان و ملت است. باید با تلاش و همکاری مسؤولانه و محبت و پیوند مستحکم و حضور دایمی مردم در صحنه و دلسوزی کامل علمای اعلام و بزرگان اسلام و قشرهای مختلف کشور و با وحدت کلمه و حفظ حاکمیت نظام جمهوری اسلام و مرکزیت این نظام و تجمع حول این محور و تسلیم در مقابل جهت‌گیری‌هایی که برخاسته از همان رهنمودها و اصولی که بر طبق مصالح کشور است، این خلا را پر کنیم.

شکی نیست که فقدان امام بزرگوارمان را به هیچ‌وجه به معنای پایان یافتن راه یا تکلیف یا امید، به حساب نمی‌آوریم. پیامبر خدا (ص) از دنیا رفت و تازه فتوحات عظیمه‌ی مسلمین شروع شد. او، با ایجاد بنا و قاعده‌ی یک نظام عظیم جهانی، توانست جامعه‌ی اسلامی بسازد که قرن‌ها پس از رحلتش، به صورت مقام و قدرت اول سیاسی و اقتصادی و نظامی و اجتماعی، در دنیا خود را نشان داد.

اگر فساد سردمداران در دوره‌های بعد نبود که به نام اسلام، سالها بعد از رحلت پیامبر (ص)، در میان مردم حکومت کردند، یقیناً اثر حرکت رسول خدا، تا قرن‌های متمادی دیگر و شاید تا این روزها ادامه می‌داشت؛ منتها فساد سردمداران، راه را قطع کرد. ما می‌توانیم بعد از رحلت امام (ره)، راه او را ادامه دهیم. همچنان که رسول خدا، ده سال و چند ماه در میان امت خود بود، امام عزیز ما هم که شاگرد و پیرو راه انبیا و اولیا بود، حدود ده سال و چند ماه در میان ما بود.

اگر ما همان اصول و خطوط و همان قاعده و مبنا را به معنای حقیقی کلمه و به‌صورت جدی و با همان اراده و امید در دست بگیریم، این راه را ادامه خواهیم داد. امیدها و تلاشها پایان نیافته است. با همت و تلاش همه جانبه‌ی شما ملت و با محبت و صمیمیتی که روح مطهر و مبارک آن عزیز فقید، بر سرتاسر این ملت پاشید و آنها را با عطر محبت و ابزارهای کارآمد مطهر و معطر کرد، ما می‌توانیم راه را خیلی خوب و سریع ادامه بدهیم.

من، حقیقتاً به مدیریت جدید کشور، از اعماق دل اعتقاد و اطمینان و امید دارم. من، آن روزی را می‌بینم که این مدیریت صالح و سالم و کارآمد و انقلابی، بتواند ان‌شاءالله به کمک مردم - که شرط اصلی است - همه‌ی این گره‌هایی را که وجود دارد، باز کند و راهها را هموار نماید. البته، همان‌طور که بارها گفته شده است و باز هم تکرار و تأکید می‌کنیم، مبادا مردم انتظار معجزه داشته باشند. این کشور، هشت سال در جنگ بود و اگر درست نگاه کنیم، ده سال جنگ می‌کرد. مسؤولان دلسوز و عزیز و خدمتگزاری که در این هشت سال، برای مردم کار کردند، با انواع مشکلات دست و پنجه نرم نمودند تا توانستند کشور را در یک شرایط قابل قبول و بالنسبه خوب - که مبالغه هم نمی‌کنیم - نگه دارند و حفظ کنند. در عین حال، مشکلات جنگ از بین نرفته و تمام نشده است.

بعضی خیال می‌کنند تا جنگ تمام شد، همه‌ی مشکلات جنگ از بین خواهد رفت. نه، مشکلات جنگ، باید بعد از جنگ برطرف بشود. برطرف کردن یک مشکل، بسیار طولانی‌تر از ایجاد مشکل خواهد بود. یک بمب می‌خورد و در یک لحظه، ساختمانی را ویران می‌کند. ما اگر بخواهیم همین ساختمان را دوباره سرپا کنیم، زمان زیادی لازم است. این همه ویرانی‌هایی که در جنگ به وجود آمد، این همه منابعی که تعطیل ماند، این همه منابعی که ضایع و

خراب شد، این همه مشکلاتی که بر مردم وارد آمد، ترمیمش زمان زیادی لازم دارد. نباید عجله بخرج داد و زیاد طلبکاری کرد. این فکر را نباید القا کرد که به مجرد آن که دولت تشکیل بشود، با فاصله‌ی کوتاهی هم‌هی مشکلات برطرف خواهد شد. البته مشکلات، در زمان معقول و مناسب برطرف خواهد شد. برنامه‌ریزی و تلاش و گرفتن همکاری از مردم و ابتکارات گوناگون لازم است تا ان شاءالله مشکلات برطرف بشود. این جمله را هم مطرح کنم که علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارائه بدهد.

اگر در مسایل رفاه زندگی عمومی و ایجاد تسهیلات و رفع مشکلات غرق شویم، به طوری که جهتگیریهای انقلابی را به دست غفلت بسپریم، به ابهت و هیبت انقلاب ضربه زده‌ایم و جاذبه‌ی آن را در دنیا مخدوش کرده‌ایم و این، مطمئناً به کارایی ما ضربه خواهد زد. بنابراین، این دو در کنار هم مطرحند. البته، در مسایل داخلی و سازندگی، رفاه و رفع مشکلات و ایجاد سازندگی، تنها هدف نیست. در مسایل داخلی هم، تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، یک رکن اصلی است؛ همچنان که در سطح حرکت عمومی کشور، اخلاق و روحیات اسلامی و برادری و گذشت و ایثار و بقیه‌ی خلیات حسنه‌ی اسلامی هم، باید مورد توجه قرار بگیرد.

توکل ما به خداست. ان شاءالله عزم و همت مردم و مسؤولان، کارها را روبه‌راه و راهها را هموار خواهد کرد و دعای حضرت بقیةالله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه) ان شاءالله ما را کمک خواهد کرد و به پیش خواهد برد و امیدواریم آن روز دور نباشد که ببینیم بسیاری از آرمانهای امام بزرگوارمان، در جامعه‌ی اسلامی و انقلابی ما تحقق پیدا کرده است.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته